

هویت باکتری در زمان و مکان

در بدن هر موجود زنده میلیاردها باکتری و میکروب وجود دارد، که این شبکه در هم پیچیده، نظام باکتریالی بدن را تشکیل و تنظیم می‌نماید. در موازات این شبکه وجودی، باکتری‌ها و میکروب‌های بسیاری نیز از خارج از بدن به کالبد موجود زنده وارد می‌گردند و در تخریب و ساخت این نظام دخالت دارند. هر دو نوع باکتری و میکروب موجودی و ورودی، هویت کاربردی مجزا و مختلفی دارند. در مورد بدن انسان نیز چنین است و در بدن انسان نیز نظام باکتریالی خاصی حاکم است و فرایند ورود میکروب و باکتری پا برجا می‌باشد. اگر چه نظر قطعی در دست نیست؛ ولی قاعدتا باکتری‌ها و میکروب‌هایی که از خارج به داخل بدن انسان منتقل می‌گردند، ماهیت سلامت ندارند و برای سلامتی و پایداری متابولیسم ارگانیکی مفید نمی‌گردند و شاید اسبابی برای تخریب و درهم ریختن تعادل نظام متابولیسمی بدن انسان باشند.

دانشمندان حوزه زیست شناختی نظر دارند که بر خلاف ماهیت باکتری‌های ورودی، باکتری‌های موجود در بدن لازمه زیست ارگانیک هستند و اگر از کالبد انسانی حذف گردند قطعاً بدن انسان با کمبود الزاماتی مواجه می‌شود و دچار چالش و بیماری می‌گردد. این نوشته دخالتی در مقوله پزشکی ندارد و بیان مطالب در این مکتوب دلالتی بر تنظیم یا ایجاد نظریه در امور پزشکی ندارد، بلکه اهم نگاه در این نوشته، توجه به موضوع نقش باکتری‌ها در هویت زمان و مکان است. یعنی آن نظریه‌ای که نگارنده اعتقاد منطقی، علمی و عملی به آن دارد. بنابر این بر مبنای شناختی که از نقش و بازی باکتری‌ها حاصل گردیده، "باکتری‌های موجود در بدن" دارای دو مولفه اساسی در عملکرد و هویت هستند:

۱- باکتری‌ها ماهیت وظیفه‌ای متغییر و متفاوت در کالبد بدن دارند (هویت وجودی متفاوت).

۲- باکتری‌ها تابع فرد هستند و در افراد مختلف، هویت نقش گذاری وابسته به فرد دارند (هویت کارکردی متفاوت).

یعنی باکتری‌های موجود در بدن انسان یکسان و همانند نیستند و در انواع و اقسام گوناگون تقسیم بندی می‌گردند. هر نوع باکتری وظائف خاصی را بر دوش می‌کشد و ماهیت ویژه‌ای در کارکرد بدن دارد. این نکته لازم به ذکر است که با وجود بستری از نظم سیستماتیک و نظام خود کنترلی در بدن، وظائف و نقش‌های باکتری‌ها تقسیم‌بندی اختصاصی و تخصصی دقیق گردیده است و نقش باکتری‌ها در هم ریخته نمی‌گردد و جایگاه و وظائف آنان به خوبی حفظ می‌گردد و باکتری‌ها اصلاً تداخل وظیفه‌ای ندارند. پس در موازات نظم و تنظیم خودکار در بدن، باکتری‌ها هم حوزه فعالیتی منظم و هدف‌گرا دارند. دیگر نکته این است که بدانیم باکتری‌ها تابع فرد می‌باشند. یعنی هر فرد انسانی مجموعه باکتری‌های مخصوص به خود را دارد و باکتری‌ها "هویت مشابهت" در افراد مختلف ندارند.

این بدان معناست، همانطور که هر انسان ماهیت ژنومی ویژه و متمایزی نسبت به دیگر انسان‌ها دارد، ماهیت باکتریالی خاص و مخصوص به خود را نیز دارا می‌باشد. یعنی همانگونه که افراد در شکل ظاهر، اخلاق، رفتار، دانش، بیش و بسیاری دیگر از شاخصه‌های وجودی و بروزی اختلاف دارند، در نظام باکتریالی وجودی در کالبد نیز تفاوت و گوناگونی را حامل می‌باشند.

از نگاه نگارنده، با توجه به مفاهیم سازه‌ای فوق و با استناد به ماهیت مفهومی منطقی، شاید بتوان به نتیجه ذیل رسید:

همانطور که باکتری‌ها تابع افراد هستند، پس همین باکتری‌ها می‌توانند وابسته به دوره زمانی نیز باشند و در ادوار گوناگون ویژگی گوناگونی داشته باشند. چرا که انسان در کانال زمان زیست می‌کند؛ و همانند هر پدیده طبیعی و اجتماعی با زمان زایش می‌یابد و با زمان زائل می‌شود. همین انسان در طول زمان و در گذشت تاریخ بشریت تحول و تطور یافته است. در نتیجه می‌توان بیان نمود که بنابر تعبیر داروینستی در مورد اختلافات نسلی در انسان‌ها که بسیاری از دانشمندان و اندیشمندان این هويت تغيير را "تکامل و تحول" می‌نامند، هويت ارگانیک انسان نیز تابع تغییرات باکتریالی در ژنوم انسانی می‌باشند و با وجود تغییرات باکتریالی در وجود انسان و دوره‌های تاریخ بشری است که انسان‌ها تغییر می‌یابند و در نهایت، این تغییرات در ماهیت شکل ظاهری انسان و در نتیجه در مفاهیم اندیشه و تفکر انسان اثر گذار می‌گردد و تغییرات نسلی با ماهیت "تطور شکل کالبدی و تطور اندیشه" مفهوم سازی می‌گردند.

احمد علی‌نقی ۹۳/۸